



Linguistic Research in the Holy Quran.  
Vol. 13, No. 1, 2024  
Research Paper

## **Examining the elements of text coherence in Surah Qalam According to Halliday and Hassan's theory**

**Maryam Bakhshi, \*<sup>1</sup>, AkramHosseini <sup>2</sup>, Parviz Ahmadzadeh houch<sup>3</sup>**

Azarbaijan Sahid Madani University Faculty of Literature and Humanities  
Department of Arabic Language and Literature, Tabriz, Iran

Azarbaijan Sahid Madani University Faculty of Literature and Humanities  
Department of Arabic Language and Literature, Tabriz, Iran

Azarbaijan Sahid Madani University Faculty of Literature and Humanities  
Department of Arabic Language and Literature, Tabriz, Iran

### **Abstract**

Coherence and integration make a text attractive and beautiful. The present research has evaluated Surah Qalam based on the coherence theory of "Michael Halliday and Ruqieh Hasan's complementary theory" with a descriptive-analytical method and has presented the number of coherence components. The results of the research show that there are 375 cohesion factors in Surah Qalam, such as lexical, grammatical, and conjunction. Among the factors of cohesion, "lexical cohesion" is used in 179 cases, of which 142 cases are related to repetition and 37 cases to conjunction, and there are 140 cases of "grammatical cohesion" in this surah, of which 136 cases are related to Referrals and 4 items are reserved for deletion. There are 56 connectives in this surah, 15 of which are related to additional connection, 13 to causal connection, 14 to temporal connection, and 14 to unexpected connection. Among this category of coherence, repetition and reference respectively have the highest percentage of coherence. Other cases of cohesion, in the order of the amount used in this surah, are the observance of an example, additional connection, temporal connection and comparison, causal connection, grammatical conjunction, contrast, and omission.

**Keywords:** Surah Qalam, Cohesion Theory, Cohesion Factors, Halliday and Hasan`s model



This is an open access article under the CC- BY 4.0 License ([Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)).



<https://doi.org/10.22108/NRGS.2024.137904.1878>

## مقاله پژوهشی

### بررسی عناصر انسجام متن در سوره قلم براساس نظریه هالیدی و حسن

مریم بخشی<sup>۱\*</sup>، اکرم حسینی قجور<sup>۲</sup>، پرویز احمدزاده هوج<sup>۳</sup>

گروه زبان ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

m.bakhshi8@gmail.com

گروه زبان ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

akramhiseini5681@gmail.com

گروه زبان ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

ahmadzadeh1975@yahoo.com

## چکیده

انسجام و یکپارچگی علت اصلی معناداربودن و هدفمندبودن متن است و سبب جذابیت و زیبایی آن می‌شود. پژوهش حاضر، سوره قلم را براساس نظریه انسجام «مایکل هالیدی و رقیه حسن» با روش توصیفی-تحلیلی ارزیابی کرده و میزان مؤلفه‌های انسجام را ارائه داده است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد در این سوره، ۳۷۵ مورد عوامل انسجام از قبیل واژگانی و دستوری و پیوندی وجود دارد. از میان این عوامل، «انسجام واژگانی»، ۱۷۹ مورد است که ۱۴۲ مورد به تکرار و ۳۷ مورد به باهم آیی مربوط می‌شود و ۱۴۰ مورد «انسجام دستوری» در این سوره وجود دارد که از این میان ۱۳۶ مورد به ارجاع و ۴ مورد به حذف اختصاص دارد. انسجام پیوندی در این سوره، ۵۶ مورد است که ۱۵ مورد به ارتباط اضافه‌ای و ۱۳ مورد به ارتباط سببی و ۱۴ مورد به ارتباط زمانی و ۱۴ مورد به ارتباط خلاف انتظار مربوط می‌شود. از میان این دسته از موارد انسجام، تکرار و ارجاع به ترتیب بالاترین درصد انسجام را به خود اختصاص داده است. موارد دیگر انسجام، به ترتیب میزان به کاررفته در این سوره، مراعات‌النظیر، ارتباط اضافه‌ای، ارتباط زمانی و تباین، ارتباط سببی، باهم آیی دستوری، تضاد و حذف هستند.

واژگان کلیدی: سوره قلم، نظریه انسجام، عوامل انسجام، الگوی هالیدی و حسن.

## ۱- بیان مسئله

زبانی به زبانی دیگر مختلف باشد (ولیثی و میرزایی الحسینی و فاضلی، ۱۳۹۵: ۷۰). انسجام یکی از عناصر اساسی است که در زیباشناسی متن دخیل است و تأثیر بسیار بسزایی در القای مفاهیم متن، انتقال سریع و ماندگاری آن دارد. این انسجام کلیه روابطی را شامل

انسجام متنی، نظریه‌ای است که نخستین بار هالیدی<sup>۱</sup> و حسن<sup>۲</sup> در کتاب انسجام در انگلیسی مطرح کرده‌اند (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶، ص ۶۳)؛ اما بر همه زبان‌ها تطبیق می‌شود؛ با این تفاوت که ممکن است الگوهای انسجام از

می‌شود که در آن، عنصری از یک جمله با عناصر جملات ماقبل و مابعد در تعادل و ارتباط باشد (ملا ابراهیمی و رضایی، ۱۳۹۹، ص ۱۰).

تجزیه و تحلیل گفتمان یکی از گرایش‌های جدید علم زبان‌شناسی است. این شاخه جدید در دهه‌های اخیر توانسته است توجه بسیاری را به خود جلب کند. زبان‌شناسی متن نیز شاخه‌ای از تحلیل گفتمان است که به مطالعه متون و سازمان نوشتاری متن تأکید می‌ورزد و بیشتر با انسجام‌های ساختاری متن سروکار دارد (ولیی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۰). از نظر هالیدی و حسن، متن، کلام ضبط‌شده از یک رویداد ارتباطی است. از نظر آنها آنچه که متن را از غیر متن تفکیک می‌کند، وجود ویژگی‌های متنی یا متنتیت است و این ویژگی‌ها چیزی جز روابط انسجامی<sup>۳</sup> نیست. آنها معتقدند متن‌بودگی<sup>۴</sup> یا آنچه که متن را می‌سازد، حضور ابزارهای انسجامی است (امرای و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۲).

نظریه انسجام به سبب قابلیت که در تعیین میزان انسجام در هر متنی دارد، چارچوبی کارآمد در راستای تحلیل میزان انسجام در متن سوره‌های قرآن و نیز ترجمه آنها است (امرای و رضایی هفتادر و زندوکیلی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۰). مقاله حاضر نیز این عوامل را در سوره قلم بررسی می‌کند. سوره قلم جزو سوره‌های مکی و در ترتیب نزول، دومین سوره‌ای است که بر پیامبر(ص) نازل شده است. این سوره شصت و هشتمین سوره قرآن کریم است و در جزء ۲۹ قرآن جای دارد. سیاق همه آیات این سوره سیاق آیات مکی است و از ابن عباس و قتاده نقل شد که گفته‌اند: اوایل این سوره تا آیه «سَنَسِيْمُهُ عَلَيَّ الْخُرْطُومِ» (قلم/۱۶) که شانزده آیه است، در مکه نازل شده و ما بعد آن تا جمله «لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (قلم/۳۳) که هفده آیه است، در مدینه نازل شده و نیز بعد از آن جمله تا جمله «يَكْتُبُونَ» (قلم/۴۷) که پانزده آیه است در مکه و ما بعد آن تا آخر سوره که چهار آیه است، در مدینه نازل شده است (الطبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۸۲).

روی هم‌رفته مباحث سوره قلم در هفت بخش خلاصه می‌شود:

۱. نخست به ذکر قسمتی از صفات ویژه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به‌ویژه اخلاق برجسته او می‌پردازد و آن را با قسمت‌های مؤکدی تأکید می‌کند.
۲. سپس قسمتی از صفات زشت و اخلاق نکوهیده دشمنان او را بازگو می‌کند.
۳. در بخش دیگری، داستان «أَصْحَابِ الْجَنَّةِ» که در حقیقت هشدار است، به مشرکان زشت‌سیرت بیان شده است.
۴. در قسمت دیگری مطالب گوناگونی راجع به قیامت و عذاب کفار در آن روز آمده است.
۵. در بخش دیگری اندازها و تهدیدهایی نسبت به مشرکان بازگو شده است.
۶. در بخش دیگری به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور می‌دهد در برابر دشمنان سرسخت، استقامت و صبر نشان دهد.
۷. سرانجام، در پایان سوره نیز سخن از عظمت قرآن و توطئه‌های مختلف دشمنان بر ضد پیامبر به میان آورده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲۴، ص ۳۷۳)؛ اما نکته شایان توجه آن است که این موضوعات چنان درهم‌تنیده شده‌اند و بین آنها انسجام ایجاد شده که مطالب بخش‌های مختلف همچون آب روان جاری است؛ از این رو، هدف اول از این پژوهش، بررسی ابزارهای انسجام و میزان انسجام موجود در بین آیات است؛ از طرف دیگر، «ممکن است درجه انسجام متن کم یا زیاد باشد؛ ولی یک گفتار زمانی متن نامیده می‌شود که هم انسجام صوری و هم پیوستگی معنایی داشته باشد» (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱، ص ۳۰). بررسی درجه انسجام عنصر پیوستگی با حضور در زیرساخت متن، علاوه بر ایجاد زیبایی سبب کشش و جذب مخاطبان قرآن می‌شود؛ زیرا متن فاقد این عنصر، هرچند در ظاهر از عناصر انسجامی برخوردار باشد، هیچ‌گونه قدرتی بر جذب مخاطب ندارد» (مختاری

### ۱-۳. روش تحقیق

روش پژوهش به صورت روش توصیفی تحلیلی است و نگارندگان این مقاله براساس روش توصیفی تحلیلی از الگوی هدفمند انسجام هالیدی و حسن سود بسته‌اند و به صورت کمی میزان انسجام هر یک از مؤلفه‌ها را در این مقاله ارائه داده‌اند.

### ۱-۴. پیشینه پژوهش

- ۱- مقاله «انسجام واژگانی در قرآن، بررسی سوره نور» (مرآت، ۱۳۹۰).
- ۲- مقاله «بررسی روابط متنی قرآن، مطالعه موردی: سوره احقاف» (صحرائی و نصرتی، ۱۳۹۳).
- ۳- مقاله «عوامل انسجام متنی در سوره نوح (ع) سه عامل انسجام متنی براساس هالیدی و حسن» (یونس ولیی، سید محمود میرزایی الحسینی و محمد فرهادی، ۱۳۹۵)، پژوهش محققان نشان می‌دهد سوره نوح از انسجام بالایی برخوردار است.
- ۴- مقاله «تحلیل انسجام واژگانی در سوره عنکبوت» (اقبال، صیادی نژاد و فاضلی) به بررسی میزان عوامل انسجام در سوره عنکبوت پرداخته‌اند. (اقبال، ۱۳۹۶)
- ۵- مقاله «عوامل انسجام در سوره زلزال براساس نظریه هالیدی و حسن» (زانوس و نبی‌پور، ۳۹۶).
- پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که سوره زلزال از انسجام بالایی برخوردار است و این انسجام در سه سطح دستوری، واژگانی و پیوندی است و سطح واژگانی بالاترین نقش را در انسجام این سوره داشته است.
- ۶- مقاله «تحلیل گفتمان دو سوره فلق و ناس براساس الگوی فرانکشی متنی هالیدی» (سید حسن سیدی و سمیه بیگ قلعه‌جوقی، ۱۳۹۸).
- ۷- مقاله «کارایی نظریه هالیدی و حسن در ترسیم انسجام متنی سوره مزمل» (عزت ملا ابراهیمی - زهرا رضایی، ۱۳۹۹). در این مقاله، مؤلفه‌های انسجام در این سوره بررسی شده‌اند که بیشتر عناصر انسجام در سوره

و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۲۴). نکته سوم آن‌که بررسی و بیان انسجام موجود در سوره‌ها صرفاً برای اثبات انسجام موجود در آن نیست؛ بلکه بررسی انسجام و عوامل انسجامی آن، به درک عمیق‌تر متن و شناسایی سبک انسجامی آن کمک می‌کند و نکته چهارم، انسجام موجود در قرآن، با انسجام متون بشری تفاوت دارد که از طریق بررسی انسجام موجود در سوره‌ها به این نکته رهنمون می‌شویم. تبیین بهتر زیبایی ترکیب متن سوره قلم، توسعه مباحث اعجاز بیانی قرآن کریم و تعمیق درک این سوره از رهگذر انسجام، از دیگر اهداف و ضرورت‌های این پژوهش است.

### ۱-۱. پرسش‌های پژوهش

- پرسش‌هایی که در این پژوهش مطرح هست، این است که:
- ۱- آیا براساس نظریه «هالیدی و حسن» در سوره قلم، انسجام و پیوستگی وجود دارد؟
  - ۲- از عوامل ایجاد انسجام، کدام مورد بیشترین کاربرد را در سوره قلم داشته است؟
  - ۳- چه تفاوتی میان انسجام متون بشری و قرآن وجود دارد؟

### ۱-۲. فرضیه پژوهش

- ۱- فرضیه پژوهش بر این اساس استوار است که براساس نظریه «هالیدی و حسن» انسجام و پیوستگی در سوره قلم وجود دارد.
- ۲- در انسجام دستوری، ارجاع بیشترین عامل انسجام در این سوره است تا بدین صورت یک سوره از قرآن با انسجام و زیبایی و مفاهیم والای الهی به بشریت انتقال یابد.
- ۳- علارغم وجود موضوعات متنوع، در قرآن انسجام وجود دارد.

۱۳۹۵). نگارندگان پژوهش متن و نظریه انسجام متن، عناصر انسجام متنی را در سوره‌ی مبارک ناس و ترجمه فارسی آن مقایسه کرده‌اند و به نتایج ارزشمندی رسیده‌اند.

## ۲- انسجام متن

انسجام یک مفهوم معنایی است که از طریق نشانه‌های انسجامی، میان اجزای متن ارتباط معنایی ایجاد می‌کند. انسجام زمانی به وجود می‌آید که تفسیر یک عنصر به عنصر دیگری در متن وابسته باشد؛ به طوری که معنای آن تنها با ارجاع به آن مرجع درک‌پذیر باشد (اصغری و علی‌مرادی، ۱۳۹۴، ص ۱۵).

متن عبارت است از یک یا چند جمله که دارای معنا یا پیام معینی است. واضح است هر چند جمله‌ای که به‌طور متوالی کنار هم قرار گرفته باشند، تشکیل متن نمی‌دهند، بین جملات یک متن روابط معینی برقرار است که آن متن را از مجموعه جملاتی که به‌طور تصادفی کنار هم قرار گرفته‌اند، جدا می‌سازد. مجموعه این روابط آفریننده متن را انسجام متنی می‌نامند (لطفی پور ساعدی، ۱۳۷۱، ص ۱۱۰).

زبان‌شناسان، در تحلیل گفتمان برای «متن» هفت ویژگی را بر می‌شمرند (زانوس و نبی‌پور، ۱۳۹۶) که عبارت‌اند از:

۱. انسجام؛
۲. پیوستگی معنایی؛
۳. قابلیت پذیرش؛
۴. قصدمندی؛
۵. ویژگی اطلاعاتی؛
۶. ویژگی موقعیتی؛
۷. ویژگی درون متنی؛

از میان این هفت ویژگی، پیوستگی و انسجام مربوط به ارتباط و تعامل متن و بقیه مربوط به ارتباط و تعامل متن و

مزمّل را مختص عناصر واژگانی به ویژه تکرار لفظی بیان کرده است.

۸- مقاله «ارزیابی مقایسه‌ای انسجام در سوره علق و ترجمه آن از حداد عادل براساس نظریه هالیدی و حسن» (محمد حسن امرایی، غلام‌عباس رضایی هفتادر، محمدتقی زندوکیلی) که نمونه‌های مرتبط و دارای زنجیره، غالباً از ابتدا تا انتهای یک متن منسجم، باهم ارتباط معنایی طولی و عرضی محکم دارند و به عبارتی، باهم تشکیل «گره» می‌دهد و نمونه‌های جنبی تنها سه مورد ارتباط و تعامل معنایی ندارند و ازهم‌گسیختگی معنایی دریافت متنی می‌شود و هر دو متن از نظر عوامل انسجام متن در یک سطح‌اند.

۹- مقاله «بررسی انسجام و پیوستگی در سوره صف با نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرا» و «مقایسه کاربست عوامل انسجام در سوره اعلی و ترجمه آن از صفارزاده» (نعمتی، طاهره ایشانی، ۱۳۹۴) که به بررسی انسجام و پیوستگی در سوره صف و اعلی براساس نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرا پرداخته‌اند.

۱۰- مقاله «تفسیر ساختاری سوره کوثر بر پایه نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مندی هالیدی و حسن» (علی صادقی، ۱۳۹۴) که بر پایه نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرای هالیدی به روش ساختاری تفسیر کرده است.

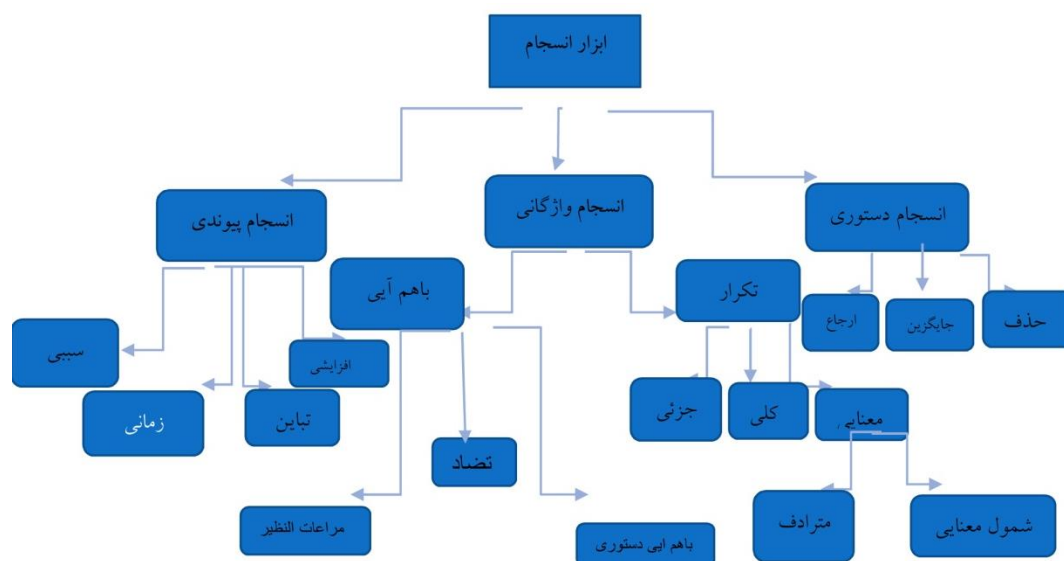
۱۱- مقاله «کارایی نظریه هالیدی در ترسیم انسجام متنی سوره‌های قرآن کریم» (محمد خامه‌گر، ۱۳۹۶، صص ۴-۲۹). این مقاله به تبیین نظریه انسجام همراه با ذکر مثال پرداخته و به ذکر نواقص این نظریه در ترسیم انسجام متنی روی آورده و نتیجه گرفته است که این نظریه برای تحلیل همه ابعاد انسجامی کافی نیست؛ به این دلیل، پژوهشگران باید علاوه براساس این نظریه به روابط عناصر برون متنی و درون متنی سوره نیز توجه کنند.

۱۲- مقاله «بررسی تطبیقی عناصر انسجام متنی در سوره مبارکه ناس و ترجمه فارسی آن بر پایه نظریه انسجام متن هالیدی و حسن» (اورکی و الخاص ویسی،

پیوند (گره) از طریق ارتباط معنایی با یکدیگر پیوند خورده‌اند. چنین رابطه معنانشناختی‌ای پایه انسجام بین پیام‌های متن را تشکیل می‌دهد (Holliday, 1989: 73). مطالعات زبانشناختی دو رهیافت را برای مطالعه روابط متنی اتخاذ می‌کنند. یکی از آنها نظریه انسجام<sup>۸</sup> و دیگری نظریه ربط<sup>۹</sup> است. این دو رهیافت کاربردی هستند و متن را تنها بر مبنای ساختارهای زبانی توصیف نمی‌کنند. یک تفاوت عمده بین نظریه ربط و نظریه انسجام این است که نظریه انسجام، رابطه میان واحدهای زبانی (پاره‌گفتارها و اجزای متن) است و نظریه ربط، رابطه‌ای است که فقط براساس پاره‌گفتارها و براساس پیش تصورات، یعنی واحدهای اطلاعات یا اندیشه تعریف می‌شود (صحرايي و نصرتي، ۱۳۹۳، ص ۶۸-۶۹).

## ۲-۱. ابزارهای انسجام

انسجام طبق نظریه «هالیدی و حسن» به سه قسمت تقسیم می‌شود: انسجام واژگانی، انسجام دستوری و انسجام پیوندی تقسیم می‌شود و هر کدام از عوامل انسجام نیز به زیرشاخه‌های مختلف طبقه‌بندی می‌شود. در این نمودار تمام ابزار انسجام با زیر شاخه‌هایش نمایش داده شده است:



خواننده باهم هستند (زانوس و نبی‌پور، ۱۳۹۶، ص ۸۲). هر متنی برای خود یک بافت به‌شمار می‌آید. متن با پیوستگی شناخته می‌شود؛ این دو به هم وابسته‌اند. انسجام سهم مهمی در پیوستگی دارد: مجموعه‌ای از امکانات زبانی که هر زبانی آن را (به‌عنوان قسمتی از فرانش متن) برای اتصال قسمتی از متن به قسمت دیگر داراست (هالیدی و حسن، ۱۹۸۹، ص ۴۸).

هالیدی و حسن روابط بین جمله‌ای متن را انسجام متنی<sup>۶</sup> نامیدند و آن را بدین صورت تعریف کردند: «انسجام، مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن می‌پردازد و آن را با عنوان یک متن، از غیر متن جدا و مشخص می‌کند». انسجام به‌صورت بالقوه در عناصر زبانی همچون ارجاع، حذف، جانشینی و ... که درون زبان قرار دارند، نهفته است؛ اما عینیت‌یافتن آن در هر مورد، به انتخاب گزینه‌هایی از این عناصر وابسته نیست؛ بلکه به وجود عناصر دیگر بستگی دارد که به شکل گرفتن گره و سپس ارتباط این عناصر با یکدیگر به «زنجیره»<sup>۷</sup> منجر می‌شود. آنچه یک عنصر را با دیگر عنصرهای انسجامی مربوط می‌کند «گره» نامیده می‌شود. گره که تعبیری دیگر از دوتا بودن است، در بررسی و تحلیل عوامل انسجام در یک متن بسیار به آن تأکید شده است (نعمتی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۲۶). دو عضو هر

## ۲-۱-۱. انسجام واژگانی

انسجام واژگانی در نتیجه حضور واژه‌های مشابه و مرتبط به وجود می‌آید و مبتنی بر رابطه است که واحدهای واژگانی زبان به لحاظ محتوای معنایی‌شان با یکدیگر دارد. متن به وسیله این روابط تداوم و انسجام می‌یابد (نعمتی و ایشانی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۸). این انسجام شامل تکرار، باهم‌آیی و حوزه‌های معنایی است.

## ۲-۱-۱-۱. تکرار

در یک متن واژه‌های بسیاری وجود دارد که بیش از یک بار تکرار شده‌اند؛ اما آنچه سبب انسجام متن می‌شود، تکرار واژه‌های مهم آن است که واژه‌های متنی‌اند. بسیاری از واژه‌های دستوری<sup>۱</sup>، همانند حروف اضافه و حروف ربط ممکن است در متن زیاد استفاده شود؛ هرچند این واژه‌ها نیز در انسجام متن تأثیر گذارند، در نقش مدنظر بر این واژه‌ها تأکید نمی‌شود؛ بلکه فقط واژه‌هایی که به واژه‌های متنی معروفند، در متن دارای نقش انسجامی هستند (خامه‌گر: ۱۳۹۶، ص ۸). تکرار دو گونه است:

۱- تکرار لفظی به معنای تکرار یک واژه در متن است. این نوع تکرار خود به دو دسته تقسیم می‌شود: تکرار تام یا محض: تکرار واژه در متن بدون هیچ‌گونه تغییری تکرار تام نامیده می‌شود؛ این نوع تکرار به دو دسته تقسیم می‌شود: (الف) تکرار نزدیک: در این نوع، واژگان تکرار شده در مجاور هم یا در یک جمله قرار می‌گیرند. (ب) تکرار دور: واژگان تکراری در جملات مختلف قرار می‌گیرند.

تکرار جزئی: گاهی ریشه بعضی از واژگان یکی است و واژگان با اندکی تغییر در صیغه تکرار می‌شود (عبدالمجید، ۱۹۹۸، ص ۸۲).

۲- تکرار معنایی: تکرار معنایی عبارت است از تکرار معنی با واژگان متفاوت و نه یکسان که شامل: شمول معنایی، مترادف و تضمین است (عبدالمجید، ۱۹۹۸، ص ۸۰).

۲-۱-۱-۱. هم‌معنایی: این رابطه نوع دیگر از تکرار است که در آن کلمه‌های مترادف در متن، انسجام واژگانی ایجاد می‌کنند (نعمتی و ایشانی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۹). هم‌معناها عبارت‌اند از: دو یا چند صورت، با رابطه معنایی خیلی نزدیک که اغلب (و نه همیشه) در جمله‌ها قابل جانشینی با همدیگرند. باید خاطر نشان کرد آن «تشابه معنایی» که در بحث هم‌معناها به کار می‌رود، لزوماً «تشابه کامل» نیست. موارد زیادی وجود دارد که در آنها، یک کلمه برای جمله‌ای مناسب است؛ ولی مترادف آن مناسب نیست (Yulle, 2006: 104).

۲-۱-۱-۲-۱-۳- شمول معنایی<sup>۲</sup> یا جزء و کل<sup>۳</sup>: شمول معنایی رابطه‌ای است که میان طبقه عام و زیرطبقه‌های آن به وجود می‌آید (یول، ۲۰۰۶، ص ۱۰۵). در آیه ۷ سوره قلم واژه «من» به کار رفته و در همین آیه این واژه به صورت افراد گمراه و هدایت یافته از هم جدا شده است که در آیات ۳۴ و ۳۳ گمراهان به عذاب دنیوی و اخروی خود می‌رسند و افراد هدایت یافته و متقین از نعمت‌های بهشتی برخوردار می‌شوند.

ج) تکرار آوایی: تکرار آوایی یا موسیقایی در آیه‌های سوره قلم به وفور دیده می‌شود که سجعی زیبا و آهنگین در آیه‌ها نشانگر انسجام این سوره مبارکه است. حروف صامت «ن» در آیه‌های ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۵۰، ۵۱، ۵۲ و «م» در آیه‌های ۴، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۲۰، ۳۴، ۴۰، ۴۸، ۴۹ تکرار شده است و تکرار مصوت «ی» و «و» در تمام آیات قبل از حروف «ن» و «م» دیده می‌شود و واژگان (حَلَّاف، هَمَّاز، مَشَاء، مَنَاع) دارای سجع متوازن هستند.

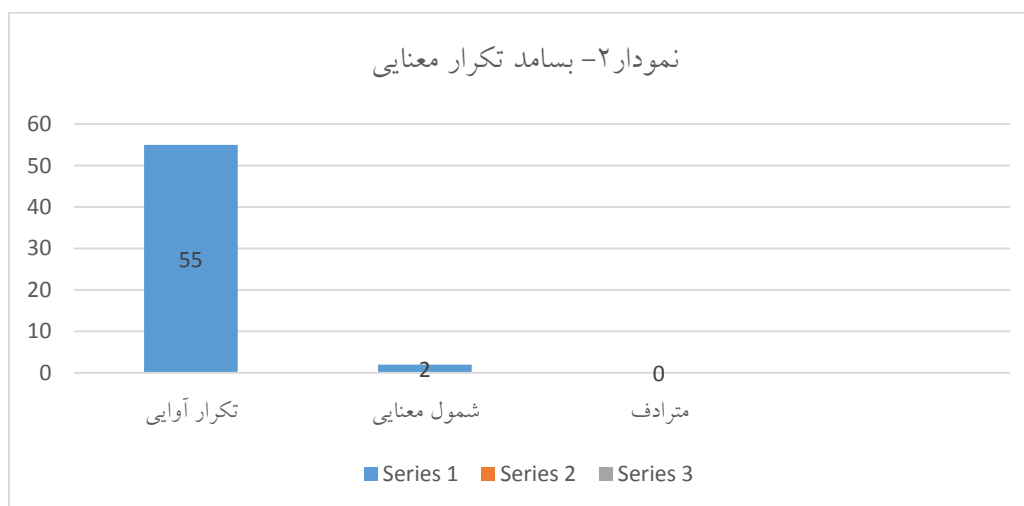
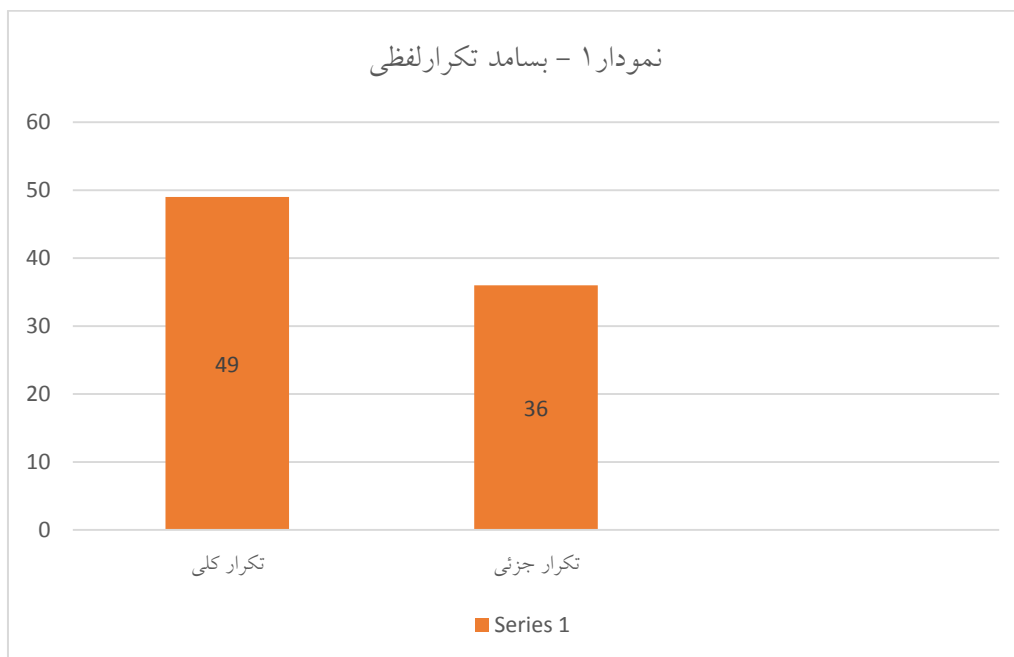
«غَنَه» صدایی است ملیح که همراه دو حرف میم (م) و نون (ن) است. نون دارای غنه‌ای بیش از میم است؛ غنه صفت ذاتی و لازم نون و میم است که آیات سوره مبارکه قلم با این صفت و مخرج مشترک مزین شده و بر

موسیقایی آیات افزوده است.

جدول ۱: (تکرار کلی و جزئی واژگان)

واژه	تعداد واژه	صورت واژه‌ای تکرار
أجر	۲	وإن لک لأجرأ غیر ممنون، أم تسألهم أجرأ (تکرار کلی)
فستبصر	۴	فستبصر ویبصرون (تکرار جزئی) خاشیعة أبصارهم، لیزلقونک بأبصارهم (تکرار کلی)
أعلم	۵	إن ربک هو أعلم بمن ضلّ عن سبیله و هو أعلم بالمهتدین (تکرار کلی) لو کانوا یعلمون، سنستدرجهم من حیث لا یعلمون (تکرار کلی) و ما هو أأ ذکر للعالمین (تکرار جزئی)
تدهن	۲	ودوا لو تدهن فیدهنون (تکرار جزئی)
بلونا	۲	إننا بلونا کما بلونا أصحاب الجنّة (تکرار کلی)
یصرن	۳	إذ أقسموا لیصرمئها مصبحین، فأصبحت کالصریم، إن کنتم صریمین (تکرار جزئی)
طاف	۲	فطاف علیها طائف من ربک (تکرار جزئی)
مصبحین	۳	لیصرمئها مصبحین، (تکرار کلی) فأصبحت کالصریم (تکرار جزئی)
تنادوا	۲	فننادوا مصبحین، إذ نادى و هو مکظوم (تکرار جزئی)
ضل	۲	إن ربک هو أعلم بمن ضلّ عن سبیله، قالوا إننا لضالون (تکرار جزئی)
قال	۵	قال أساطیر النخستین، قالوا إننا لضالون، ألم أقل لکم لولا تسبیحون، قالوا سبحان ربنا إننا کنا ظالمین، و یقولون إنه لمجنون (تکرار جزئی)
رب	۹	ما أنت بنعمة ربک بمجنون، فطاف علیها طائف من ربک، قالوا سبحان ربنا، عسی ربنا أن یدلنا خیراً منها إننا إلی ربنا راغبون، إن للممتقین عند ربهم جنات النعیم، فاصبر لحکم ربک، لولا أن تدارکة نعمة من ربّه لنبذ بالعرء، فاجتنبه ربّه (تکرار کلی)
لولا	۲	لولا تسبیحون، لولا أن تدارکة نعمة من ربّه لنبذ بالعرء (تکرار کلی)
إن	۴	إنک لعلی خلق عظیم، إن ربک هو أعلم (تکرار کلی)، إننا کنا طاغین، إننا إلی ربنا راغبون (تکرار کلی)=تکرار جزئی
تسبیحون	۲	لولا تسبیحون، قالوا سبحان ربنا (تکرار جزئی)
لا تطع	۲	فلا تطع المکذبین، و لا تطع کل حلاف مهین (تکرار کلی)
اغدوا	۲	أن اغدوا علی حرثکم، و غدوا علی حرید قادرین (تکرار جزئی)
کان	۶	إننا کنا ظالمین، إننا کنا طاغین (تکرار کلی)، لو کانوا یعلمون، إن کانوا صادقین، و قد کانوا یدعون الی السجود (تکرار کلی)، و لا تکن کصاحب الحوت، إن کنتم صریمین (تکرار جزئی)
شركاء	۲	أم لهم شرکاء فلیأتوا بشرکائهم (تکرار کلی)
مجنون	۲	ما أنت بنعمته ربک بمجنون، و یقولون إنه لمجنون (تکرار کلی)
بعض	۲	فأقبل بعضهم علی بعض یتلاومون (تکرار کلی)
العذاب	۲	کذالك العذاب و لعذاب الآخرة أكبر (تکرار کلی)
یدعون الی السجود	۲	یوم یکشف عن سابق و یدعون الی السجود فلا یستطیعون، و قد کانوا یدعون الی السجود و هم سالمون (تکرار کلی)
المکذبین	۲	فلا تطع المکذبین، فذرنی و من یکذب بهذا الحدیث (تکرار جزئی)
نعمة	۳	ما أنت بنعمة ربک لمجنون، لو لا أن تدارکة نعمة من ربّه لنبذ بالعرء (تکرار کلی)، إن للممتقین عند ربهم جنات النعیم (تکرار جزئی)
تحکمون	۲	ما لکم کیف تحکمون، إن لکم لما تحکمون (تکرار کلی)
یوم	۲	أم لکم ایمان علینا بالغة الی یوم القیامة، یوم یکشف عن سابق (تکرار کلی)
کتاب، أم	۴	أم لکم کتاب فیہ تدرسون، أم لکم ایمان علینا بالغة الی یوم القیامة، أم لهم شرکاء فلیأتوا بشرکائهم إن کانوا صادقین، أم تسألون أجرأ، أم عندهم الغیب فهم یکتبون (تکرار کلی أم)، (تکرار جزئی)
الذکر	۲	لما سمعوا الذکر، و ما هو أأ ذکر للعالمین (تکرار کلی)
سل	۲	سألهم إیهم بذالك زعیم، أم تسألهم أجرأ (تکرار جزئی)





## ۲-۱-۱- باهم‌آیی

یکی از مهم‌ترین ابزار انسجام متن در سطح واژگان، پدیده هم‌آیی است. این اصطلاح را برای نخستین بار زبان‌شناس انگلیسی، فرث در سال ۱۹۵۷م به کار برد. او زبان‌شناسان را متوجه اهمیت بررسی‌های واژگانی کرد؛ زیرا بعضی از واژه‌ها به سبب هم‌نشینی با واژه‌های مختلف تغییر معنا می‌دهند. باهم‌آیی، هم‌نشینی واژگانی است که ارتباط قوی بین آنها، آنها را به ترکیب شدن باهم سوق می‌دهند؛ مانند ارتباطی که بین واژه نوشیدن با واژه

آب وجود دارد. گاهی ارتباط بین دو واژه به اندازه‌ای قوی است که به محض شنیدن یک واژه، واژه دیگر در ذهن تداعی می‌شود و انتظار می‌رود همراه آن به کار رود. این ارتباط قوی، نقش بسزایی در انسجام پیوستگی متن دارد (ولئی و دیگران، ۱۳۹۵).

باهم‌آیی شامل تضاد، مراعات النظیر و باهم‌آیی دستوری می‌شود که به ترتیب توضیح داده می‌شود. الف) تضاد معنایی مربوط به کلماتی است که دارای معنای مخالف هم‌اند. تضاد از این نظر باعث انسجام متنی

این نیست که «آن سگ جوان است». درباره کلمه‌های متضاد درجه‌بندی ناپذیر که «جفت‌های مکمل» نیز نامیده می‌شوند، معمولاً ساخت‌های مقایسه‌ای به کار نمی‌روند؛ به‌طور مثال، عبارت‌های «مرده‌تر» یا «بیشتر مرده» عجیب به نظر می‌رسند و نفی یکی، نشانگر اثبات دیگری است؛ به‌طور مثال، وقتی گفته می‌شود «آن شخص مرده است»، در واقع منظورمان این است که «او زنده است» (یول، ۲۰۰۶، ص ۱۰۵).

معنایی می‌شود که با شنیدن واژه‌ای، به‌طور طبیعی واژه‌ای دیگر، تداعی و بین این دو واژه و مفهوم متن ارتباط معنایی حاکم شود (اقبالی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۰۳). معمولاً کلمه‌های متضاد را به دو نوع «درجه‌بندی پذیر» و «درجه‌بندی ناپذیر» تقسیم می‌کنند. کلمه‌های متضاد درجه‌بندی پذیر مانند دو واژه صغیر و کبیر است و نفی یکی از آنها لزوماً بر اثبات دیگری دلالت نمی‌کند؛ برای مثال، اگر گفته شود «آن سگ پیر نیست»، الزاماً منظورمان

جدول ۲: جدول تضاد واژگانی

واژگان متضاد	صورت واژه متضاد
ضَلَّ، ضَالُونَ ≠ المهتدين	إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۷)، إِنَّا لَضَالُونَ (۲۶)
الْمُكَذِّبِينَ، يُكذِّبُ ≠ الصادقين	فَلَا تُطِيعُ الْمُكَذِّبِينَ، إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ (۴۱) وَمَنْ يُكذِّبْ بِهَذَا الْحَدِيثِ (۴۴)
الصَّالِحِينَ، الْمُسْلِمِينَ ≠ الْمُجْرِمِينَ، كَفَرُوا	أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ (۳۵)، الَّذِينَ كَفَرُوا (۵۱)، فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (۵۰)
ذِلَّةٌ ≠ سالمون	تَرَهُمْ ذِلَّةً وَ قَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السَّجْدِ وَ هُمْ سَالِمُونَ (۴۳)
طَاغِينَ ≠ رَاغِبُونَ	إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ (۳۱)، إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ (۳۲)

«يُكشَفُ» و «عن ساق» و فعل «يُدعون» و «المشركون» که مرجع ضمیر او در فعل يُدعون در آیه «۴۲» «يَوْمَ يُكشَفُ عن ساقٍ و يُدعونَ إِلَى السَّجْدِ»، دارد، سبب انسجام شده است و از لحاظ دستوری فعل «تُتلى»، «يُكشَفُ»، «يُدعون» فعل مجهول و «آیات» و «عن ساق» و «و» نائب فاعل به حساب می‌آیند.

۳- حرف جرّ بعد از فعل: برخی افعال همراه حرف جرّ به کار می‌روند و باعث ایجاد معنای جدید می‌شوند. در سوره قلم در این آیه «فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ» فعل یأتوا همراه حرف جرّ «ب» به کار رفته است و بدین صورت معنی می‌شوند: (شریک‌هایشان) معبودهایشان را بیاورند معنی می‌شود. آیه «فَذَرِنِي وَ مَنْ يُكذِّبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ»، (اکنون مرا با آنها که این سخن را تکذیب می‌کنند، واگذار مکن). فعل «يُكذِّبُ» فعل متعدی با حرف جرّ «ب» به کار می‌رود و این سبب انسجام و ارتباط معنایی با کلمات بعد از آن شده است.

۴- رابطه فعل و فاعل: «خاشعَةً ابصارهم» رابطه معنایی

(ب) مراعات‌النظیر: آوردن واژه‌ها از یک دسته است که باهم هماهنگی دارند. این هماهنگی می‌تواند از نظر جنس، نوع، مکان، زمان یا همراهی باشد. مراعات نظیر سبب تداعی معانی می‌شود و نقش مهمی در انسجام متن دارد؛ زیرا در آن مجموعه‌ای از کلمات استفاده می‌شود که با یکدیگر هماهنگی و ارتباط معنایی خاصی دارند (ولیتی و دیگران، ۱۳۹۵).

(ج) باهم‌آیی دستوری: باهم‌آیی دستوری بدین معنا است که دو یا چند واژه که ارتباط خاصی از نظر معنا یا از نظر ساختاری باهم ارتباط دارند، در ترکیب‌های مختلف دستوری در کنار هم قرار می‌گیرند (ولیتی و همکاران، ۱۳۹۵). در سوره قلم، باهم‌آیی دستوری به شکل‌های مختلف آمده است:

۱- موصوف و صفت: معتدٍ أثیم، حَلَّافٍ مهین، همَّازٍ مشاءٍ، أجزاً غیر ممنون.

۲- فعل مجهول و نائب فاعل: ارتباط معنایی میان «تُتلى» و «آیات» در آیه «۱۵» «تُتلى عليه آیاتنا» و فعل

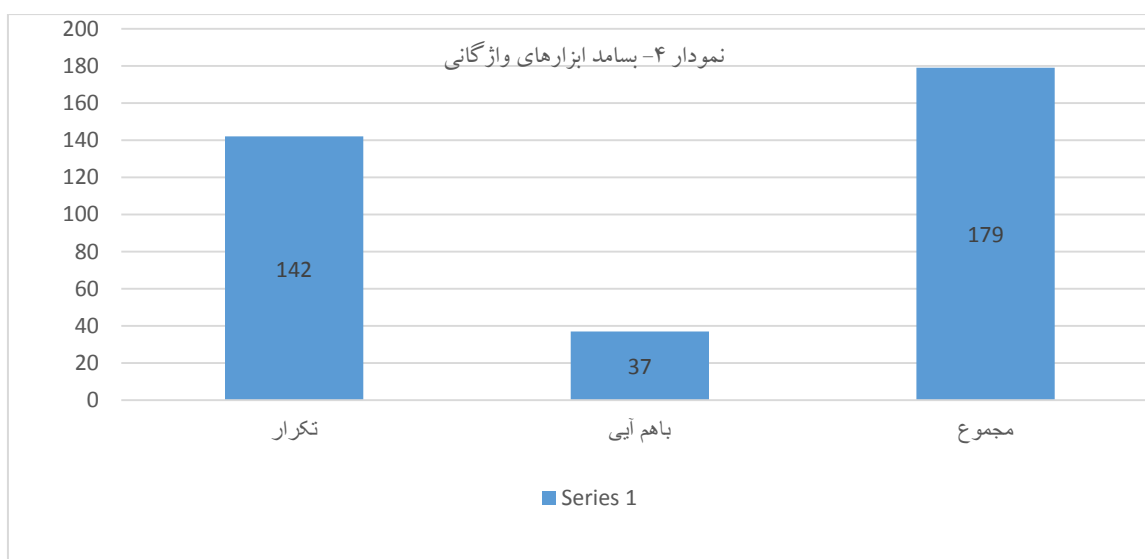
۵- رابطه مبتدا و خبر یا اسم و خبر: «وَأَمَلَى لَهُمُ إِن كَيْدِي مَتِينٌ»، (متین) در این آیه نقش خبر و (کید) نیز نقش اسم حروف مشبّهة بالفعل را دارد، (متین) به معنی محکم و دقیق است. بین اسم و خبر رابطه معنایی و دستوری وجود دارد و همنشینی کلمه «متین» در کنار «کید» معنای جدیدی به آن بخشیده است.

۶- رابطه فعل و مفعول: «سَمِعُوا الذِّكْرَ» رابطه معنایی که میان (ذکر) و فعل (سمعوا) وجود دارد، باعث شده است لفظ (الذکر) عنوان مفعول هم‌نشین فعل (سمعوا) قرار بگیرد.

که میان خاشعۀ و ابصار وجود دارد، سبب همنشینی خاشعۀ با ابصار شده است. «ابصار» نقش فاعل را برای خاشعۀ دارد که اسم فاعل است و از لحاظ ترکیب دستوری فعل و فاعل محسوب می‌شوند. در آیه دیگر در این سوره مبارکه، «تَرَهَّقُهُمْ ذَلَّةٌ» (ذلت و خواری وجودشان را فرا گرفته است)، ضمن اینکه میان فعل «ترهق» و «ذلة» رابطه معنایی وجود دارد، از لحاظ دستوری «ترهق» فعل و «ذلة» فاعل محسوب می‌شود و این ارتباط معنایی و دستوری سبب انسجام متن شده است. آیه شریفه «فاجتَبَاهُ رَبُّهُ» در این آیه علاوه بر ارتباط معنایی از ارتباط دستوری نیز «اجتبی» فعل و «رب» فاعل است.

جدول ۳: مراعات‌النظیر

واژگان	صورت‌های واژگان مراعات‌النظیر
القلم، یسطرون	ن و القلم و ما یسطرون (۱)
نعمة، ربّ	ما أنت بنعمة ربك بمجنون (۲)
أجر، غیر ممنون	وإن لأجرأ غیر ممنون (۳)
ربّ، أعلم	إن ربك هو أعلم بمن ضل عن سبيله وهو أعلم بالمهتدين (۷)
حلاف، مهین، همّاز، مشاء بنمیم، مناع للخیر، معتد ائیم، عتلّ، زنیم	ولا تطع كل حلاف مهين، همّاز مشاء بنمیم، مناع للخیر معتد ائیم عتلّ بعد ذالك زنیم (۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳)
مال، بنین	أن كان ذا مال و بنین (۱۴)
ضلّ، سبیل، المهتدين	إن ربك هو أعلم بمن ضل عن سبيله و هو أعلم بالمهتدين
تتلى، آیات، أساطیر	إذا تتلى عليه آیاتنا قال أساطیر النخستین
خرث، صارمین	أن اغدوا علی خرثکم إن کنتم صارمین
سبحان، ربّ	قالوا سبحان ربنا إنا كنا ظالمین
المُتَّقین، عند ربهم، جنات	إن للمُتَّقین عند ربهم جنات النعیم
کتاب، تدرسون	أم لکم کتاب فیہ تدرسون
ساق، السجود	یوم یکشف عن ساق و یدعون الی السجود فلا یستطیعون
خاشعۀ، ابصار، ترهق، ذلة	خاشعۀ ابصارهم ترهقهم ذلة
یکذب، الحدیث	فذرني و من یکذب بهذا الحدیث
تسأل، أجر، مغرم، مُتَقَلون	أم تسألهم أجرأ فهم من مغرم مُتَقَلون
اصبر، حکم	فاصبر لحکم ربک
یزلقون، ابصار	لیزلقونک بأبصارهم



## ۲-۱-۲. انسجام دستوری

انسجام دستوری شامل سه عامل ارجاع، جایگزینی و حذف است.

۲-۱-۲-۱. ارجاع: ارجاع عبارت است از اینکه صورت‌های ارجاعی برای تفسیر، به چیز دیگر یا پس از خود ارجاع داده شود. ارجاع دو گونه است: یکی ارجاع برون‌متنی<sup>۱</sup> و دیگری ارجاع درون‌متنی<sup>۲</sup>. در ارجاع درون‌متنی، مرجع، عنصری است در درون متن، ارجاع

درون‌متنی براساس موقعیت مرجع نسبت به عنصر ارجاع

به دو نوع تقسیم می‌شود:

الف) ارجاع پیش مرجع<sup>۳</sup> قرار می‌گیرد.

ب) ارجاع پس مرجع<sup>۴</sup> که در آن عنصر ارجاع، پس از مرجع خود قرار می‌گیرد.

در توضیح ارجاع برون‌متنی می‌توان گفت: وقتی عنصری در متن به موردی خارج از متن اشاره کند و درک آن وابسته به موقعیت و محیطی باشد که متن در آن واقع

شده است، عنصر مدنظر از نوع برون مرجع است. نکته مهم این است که تنها ارجاع درون‌متنی سبب ایجاد انسجام در متن می‌شود؛ چون گره‌ها یا روابط انسجامی بین جمله‌ها، متن را به وجود می‌آورند؛ در حالی که ارجاع برون‌متنی به تولید متن کمک می‌کند؛ یعنی باعث پیوند متن یا بافت موقعیت می‌شود (نعمتی و ایشانی، ۱۳۹۳،

صص ۱۲۷-۱۲۸). ارجاع در متن با ضمیر، اسم اشاره و اسم موصول صورت می‌گیرد و به دو صورت پیش‌مرجع و پس‌مرجع است. در ارجاع پیش‌مرجع، واژه مرجع‌دار، ضمیر، اسم اشاره و اسم موصول پس از مرجع خود قرار می‌گیرد و در پس‌مرجع، واژه مرجع‌دار قبل از مرجع خود واقع می‌شود (زانوس و نبی‌پور، ۱۳۹۶، ص ۸۵).

جدول ۴- جدول ارجاع (ضمایر)

شماره آیه	مرجع ضمیر	ضمیر
۱	ملائکه	«واو» در یَسْطُرُونَ (ضمیر بارز)
۲	النبی	أنت (ضمیر منفصل)
۲	النبی	رَبِّک (ضمیر متصل)
۳	النبی	لَکَ
۴	النبی	إِنَّک (ضمیر متصل)
۵	النبی	أنتَ در سَتَّبِعُ (ضمیر مستتر)
۵	مشرکین	«واو» در یُبْصِرُونَ (ضمیر بارز)
۶	طرفین (نبی و مشرکان)	أَیُّکُم (ضمیر متصل)
۷	النبی	إِنَّ رَبِّک (ضمیر متصل)
۷	ربّ	هو أعلم (ضمیر منفصل)
۷	ربّ	سبیله (ضمیر مستتر)
۷	ربّ	هو اعلم (ضمیر منفصل)
۸	النبی	أنتَ در لا تُطِيع (ضمیر مستتر)
۸	المُکذِبین	«واو» در ودّوا (ضمیر بارز)
۹	النبی	أنتَ در تُدْهِینُ (ضمیر مستتر)
۹	المُکذِبین	«واو» در یُدْهِیُونَ (ضمیر بارز)
۱۰	النبی	أنتَ در لا تُطِيع (ضمیر مستتر)
۱۴	الکافر (حَلَّاف، هَمَّاز، مَشَاء، مَنَاع، عُثْل)	هو در کان (ضمیر مستتر)
۱۵	الکافر (حَلَّاف،...)	علیه (ضمیر متصل)
۱۵	الله	آیَاتِنَا (ضمیر متصل)
۱۵	الکافر (حَلَّاف،...)	هو در قَالَ (ضمیر مستتر)
۱۶	الکافر	سَنَسْمُهُ (ضمیر متصل)
۱۷	الله	أنا (ضمیر متصل)
۱۷	الله	بَلُونَا (ضمیر بارز)
۱۷	المُکذِبین	بَلُونَاهُمْ (ضمیر متصل)
۱۷	أصحاب الجَنَّة	أَقْسَمُوا (ضمیر بارز)
۱۷	أصحاب الجَنَّة	یَصْرُمْنَ (ضمیر بارز و او)
۱۷	فواکه	یَصْرُمْنَهَا (ضمیر متصل)
۱۸	أصحاب الجَنَّة	لَا یَسْتَنُونَ (ضمیر بارز)
۱۹	الجَنَّة	علیها (ضمیر متصل)
۱۹	النبی	رَبِّک (ضمیر متصل)

شماره آیه	مرجع ضمیر	ضمیر
۱۹	أصحاب الجنة	هم (ضمیر منفصل)
۲۰	الجنة	هی در أَصْبَحَتْ (ضمیر مستتر)
۲۱	أصحاب الجنة	فَتَنَادُوا (ضمیر بارز)
۲۲	أصحاب الجنة	اغْدُوا
۲۲	أصحاب الجنة	حَرَّتْكُمْ (ضمیر متصل)
۲۲	أصحاب الجنة	كُنْتُمْ (ضمیر بارز)
۲۳	أصحاب الجنة	انْطَلَقُوا (ضمیر بارز)
۲۳	أصحاب الجنة	هم (ضمیر منفصل)
۲۳	أصحاب الجنة	يَتَخَفَتُونَ (ضمیر بارز)
۲۴	الجنة	لا يَدْخُلُهَا (ضمیر متصل)
۲۴	أصحاب الجنة	عليكم (ضمیر متصل)
۲۵	أصحاب الجنة	غَدُوا (ضمیر بارز)
۲۶	أصحاب الجنة	رَأَوْهَا (ضمیر بارز)
۲۶	الجنة	رَأَوْهَا (ضمیر متصل)
۲۶	أصحاب الجنة	قالوا (ضمیر بارز)
۲۶	أصحاب الجنة	إنا (ضمیر متصل)
۲۷	أصحاب الجنة	نحن (ضمیر منفصل)
۲۸	أصحاب الجنة	أوسطهم (ضمیر متصل)
۲۸	أوسط	أنا درلم أَقُل (ضمیر مستتر)
۲۸	أصحاب الجنة	لَكُمْ (ضمیر متصل)
۲۸	أصحاب الجنة	تَسْبِحُونَ (ضمیر بارز)
۲۹	أصحاب الجنة	قالوا (ضمیر بارز)
۲۹	أصحاب الجنة	رَبَّنَا (ضمیر متصل)
۲۹	أصحاب الجنة	إنا (ضمیر متصل)
۲۹	أصحاب الجنة	كُنَّا (ضمیر متصل)
۳۰	أصحاب الجنة	بعضهم (ضمیر متصل)
۳۰	أصحاب الجنة	يَتْلَوْنَ (ضمیر بارز)
۳۱	أصحاب الجنة	قالوا (ضمیر بارز)
۳۱	أصحاب الجنة	ياؤيلنا (ضمیر متصل)
۳۱	أصحاب الجنة	إنا (ضمیر متصل)
۳۱	أصحاب الجنة	كُنَّا (ضمیر بارز)
۳۲	أصحاب الجنة	رَبَّنَا (ضمیر متصل)
۳۲	رب	هو در يُبَدِّلُنَا (ضمیر مستتر)
۳۲	جنة	منها (ضمیر متصل)
۳۲	أصحاب الجنة	إنا (ضمیر متصل)
۳۲	أصحاب الجنة	رَبَّنَا (ضمیر متصل)
۳۳	الانسان	كانوا يَعْلَمُونَ (ضمیر بارز)
۳۴	الْمُتَّقِينَ	رَبِّهِمْ (ضمیر متصل)
۳۵	رب	نحن در نَجْعَلُ (ضمیر مستتر)

شماره آیه	مرجع ضمیر	ضمیر
۳۶	المُكَذِّبِينَ	لَكُمْ (ضمیر متصل)
۳۷	المُكَذِّبِينَ	تَحْكُمُونَ (ضمیر بارز)
۳۷	المُكَذِّبِينَ	لَكُمْ (ضمیر متصل)
۳۷	كِتَابٌ	فِيهِ (ضمیر متصل)
۳۷	المُكَذِّبِينَ	تَدْرُسُونَ (ضمیر بارز)
۳۸	المُكَذِّبِينَ	لَكُمْ (ضمیر متصل)
۳۸	كِتَابٌ	فِيهِ (ضمیر متصل)
۳۸	المُكَذِّبِينَ	تُخَيَّرُونَ (ضمیر بارز)
۳۹	المُكَذِّبِينَ	لَكُمْ (ضمیر متصل)
۳۹	رَبِّ	عَلَيْنَا (ضمیر متصل)
۳۹	المُكَذِّبِينَ	لَكُمْ (ضمیر متصل)
۳۹	المُكَذِّبِينَ	تَحْكُمُونَ (ضمیر بارز)
۴۰	النَّبِيِّ	أَنْتَ دَرَسَلْ (ضمیر مستتر)
۴۰	المُكَذِّبِينَ	سَأَلَهُمْ (ضمیر متصل)
۴۰	المُكَذِّبِينَ	إِيَّاهُمْ (ضمیر متصل)
۴۱	المُكَذِّبِينَ (مشرکان)	لَهُمْ (ضمیر متصل)
۴۱	المُكَذِّبِينَ (مشرکان)	فَلْيَأْتُوا (ضمیر بارز)
۴۱	المُكَذِّبِينَ (مشرکان)	شُرَكَائِهِمْ (ضمیر متصل)
۴۱	المُكَذِّبِينَ (مشرکان)	كَانُوا (ضمیر بارز)
۴۲	المُكَذِّبِينَ (مشرکان)	هُوَ دَرِ يَكْشِفْ (ضمیر مستتر)
۴۲	المُكَذِّبِينَ (مشرکان)	يُدْعُونَ (ضمیر بارز)
۴۲	المُكَذِّبِينَ (مشرکان)	لَا يَسْتَطِيعُونَ (ضمیر بارز)
۴۳	المُكَذِّبِينَ (مشرکان)	أَبْصَارُهُمْ (ضمیر متصل)
۴۳	المُكَذِّبِينَ (مشرکان)	تُرْهَقُهُمْ (ضمیر متصل)
۴۳	المُكَذِّبِينَ (مشرکان)	كَانُوا يَدْعُونَ (ضمیر بارز)
۴۳	المُكَذِّبِينَ (مشرکان)	هُمْ (ضمیر منفصل)
۴۴	النَّبِيِّ	أَنْتَ دَرِ قَدْرَنِي (ضمیر مستتر)
۴۴	الله (رب)	ذَرْنِي (ضمیر متصل)
۴۴	مَنْ	هُوَ دَرِ يَكْذِبْ (ضمیر متصل)
۴۴	الله (رب)	نَحْنُ دَرِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ (ضمیر مستتر)
۴۴	المُكَذِّبِينَ (مشرکان)	سَنَسْتَدْرِجُهُمْ (ضمیر متصل)
۴۴	الله (رب)	لَا يَعْلَمُونَ (ضمیر بارز)
۴۵	الله (رب)	أَنَا دَرِ أَمَلِي
۴۵	الله (رب)	لَهُمْ (ضمیر متصل)
۴۵	الله (رب)	كَيْدِي (ضمیر متصل)
۴۶	النَّبِيِّ	أَنْتَ دَرِ تَسْأَلْ (ضمیر مستتر)
۴۶	المُكَذِّبِينَ (مشرکان)	هُمْ (ضمیر منفصل)
۴۷	المُكَذِّبِينَ (مشرکان)	عِنْدَهُمْ (ضمیر متصل)
۴۷	المُكَذِّبِينَ (مشرکان)	هُمْ (ضمیر منفصل)

شماره آیه	مرجع ضمیر	ضمیر
۴۷	المُكذِّبِينَ (مشرکان)	يَكْتُبُونَ (ضمیر بارز)
۴۸	النَّبِيِّ	أنت در اصْبِر (ضمیر مستتر)
۴۸	النَّبِيِّ	رَبِّكَ (ضمیر متصل)
۴۸	النَّبِيِّ	أنت در لا تَكُنْ (ضمیر مستتر)
۴۸	يونس	هو در نادى (ضمیر مستتر)
۴۸	يونس	هو (ضمیر منفصل)
۴۹	يونس	أَنْ تَدَارِكَهُ (ضمیر متصل)
۴۹	يونس	رَبِّهِ (ضمیر متصل)
۴۹	يونس	هو در نُبِّدْ (ضمیر مستتر)
۴۹	يونس	هو (ضمیر منفصل)
۵۰	يونس	اجتنبه (ضمیر متصل)
۵۰	يونس	رَبِّهِ (ضمیر متصل)
۵۰	الله (رب)	هو در جَعَلَ (ضمیر مستتر)
۵۰	يونس	جَعَلَهُ (ضمیر متصل)
۵۱	المُكذِّبِينَ	كَفَرُوا (ضمیر بارز)
۵۱	الكافرون	لَيُزْلِقُونَ (ضمیر بارز)
۵۱	النَّبِيِّ	لَيُزْلِقُونَكَ (ضمیر متصل)
۵۱	الكافرون	بأبصارِهِمْ (ضمیر متصل)
۵۱	الكافرون	سَمِعُوا (ضمیر بارز)
۵۱	الكافرون	يَقُولُونَ (ضمیر بارز)
۵۱	النَّبِيِّ	إِنَّهُ (ضمیر متصل)
۵۲	القرآن	هو

آیه	مرجع	موصول
۱	کتاب	ما
۷	الانسان	مَنْ
۴۴	المُكذِّبِينَ	مَنْ
۳۸	کتاب	ما
۳۹	کتاب	ما

می‌دانند که به وسیله عامل یا عنصری پر نمی‌شود و آن را «جانشین صفر» می‌نامند. درحقیقت چون فهمیده می‌شود نیازی به بیان نیست (اصغری و علی‌مرادی، ۱۳۹۴، ص ۱۷). منظور از حذف، نیاوردن کلمه یا بخشی از جمله در گفتار است؛ به گونه‌ای که بتوان از لحاظ معنایی وجود آن را دریافت. حذف یکی دیگر از راه‌های ایجاد انسجام در متن است. حذف‌های مرتبط با انسجام متن، به دو نوع

۲- ۱- ۲- ۲. جایگزینی: در جایگزینی، یک عنصر زبانی به جای عنصر زبانی دیگر می‌نشیند؛ یعنی ممکن است یک واژه یا یک عبارت، جایگزین یک واژه، عبارت یا یک بند دیگر در یک متن شود (زانوس و نبی‌پور، ۱۳۹۶، ص ۸۸). جایگزینی یا به صورت اسمی یا فعلی یا جمله‌ای است.  
۲- ۱- ۲- ۳. حذف: حذف را نیز یک نوع جانشینی



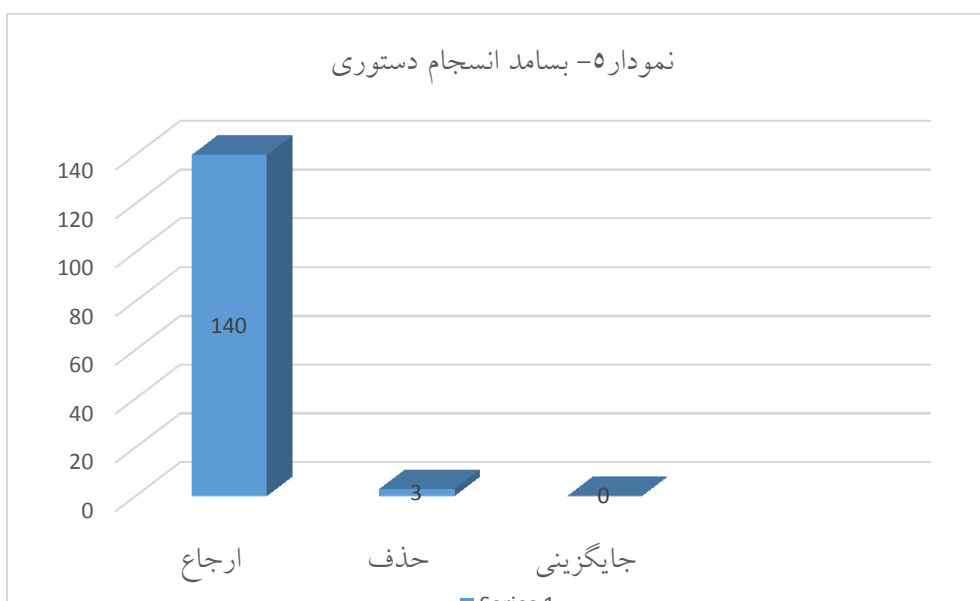
جایگزینی و حذف اسمی، فعلی و ... سخن گفته‌اند (اورکی و الخاص ویسی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۴).

در سوره قلم در آیه «۱۰» این عبارت ذکر شده است: «لَا تُطِيعُ كُلَّ حَلْفٍ مَّهِينٍ» و به قرینه در آیه‌های (۱۱، ۱۲، ۱۳) فعل «لَا تُطِيعُ» و لفظ «كُلِّ» حذف شده است: (همآزِ مَشَاءِ بِنَمِيمٍ مَنَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدًا أَن نَّمِيمَ عَثُلَبٍ بَعْدَ ذَالِكِ زَتِيمٍ) (قلم: ۱۱-۱۳).

در آیه ۲۳ (فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُونَ) به قرینه معنوی می‌توان گفت فعل (دَخَلُوا) بعد از (فَلَمَّا) حذف شده است. معنی آیه: هنگامی که (وارد باغ شدند) و آن را دیدند، گفتند: حَقًّا ما گمراهیم.

اصلی تقسیم می‌شوند: نخست، حذف به قرینه لفظی است؛ یعنی هرگاه قرار باشد کلمه یا گروهی از کلمات در دو یا چند جمله پیاپی بیابند، معمولاً فقط یک مرتبه آن را می‌آورند و به قرینه از تکرار آن در جمله‌های دیگر خودداری می‌کنند (اورکی و الخاص ویسی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۴).

دوم، حذف به قرینه معنوی است. این حذف زمانی رخ می‌دهد که مفهوم کلی جمله‌ها و عبارت‌ها موجب حذف کلمه یا کلماتی در جمله می‌شود و خواننده از سیاق کلام و مفهوم کلی جمله‌ها، کلمه محذوف را در می‌یابد. حذف به قرینه معنایی در گفتگوهای کوتاه و بریده‌بریده به‌وضوح دیده می‌شود. هالیدی و حسن از انواع مختلف



## ۲-۱-۳-۱. ارتباط اضافه‌ای

این رابطه معنایی وقتی برقرار می‌شود که جمله‌ای در رابطه با محتوای جمله قبلی در متن مطلبی اضافه کند. برای اضافه، جنبه‌های مختلفی ذکر شده‌اند؛ از جمله توضیحی، تمثیلی و مقایسه‌ای (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱، ص ۱۱۴). نمادهای متنی این رابطه معنایی مانند «علاوه بر، هم، نیز، یا، همچنین، چه ... چه، ...» و از این قبیل کلمات است که به‌عنوان پیوند افزایشی هم کاربرد دارند.

## ۲-۱-۳-۲. انسجام پیوندی

انسجام پیوندی شامل ارتباط معنایی و منطقی میان جملات است. هالیدی و حسن (۱۹۷۶) چنین روابطی را با چهار عنوان جامع به شرح زیر مقوله‌بندی کردند که هر کدام شامل روابط معنایی فرعی‌تری می‌شود (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱، ص ۱۱۴).

در آیه‌های (۱، ۳، ۴، ۷، ۱۰، ۳۳، ۴۴، ۴۵، ۴۸، ۵۱) سوره قلم، حرف «واو» ۱۰ بار تکرار شده که به انسجام و پیوستگی سوره منجر شده و حرف «أم» در ۵ آیه (۳۷)، (۳۹)، (۴۱)، (۴۶)، (۴۷) آمده که موجب رابطه اضافی یا افزایش شده است.

جدول ۵- ارتباط اضافه‌ای

شماره آیه	آیه	کلمه
۱	ن والقلم و ما یسطرون	و
۳	و إن لک لأجرأ غیر ممنون	و
۴	وإنک لعلی خلق عظیم	و
۷	إن ربک هو أعلم بمن ضل عن سبیله و هو أعلم بالمهتدین	و
۱۰	و لا تطع کل حلف مہین	و
۲۵	و غدوا علی حرید قادرین	و
۳۳	کذالک العذاب و لعذاب الآخرة أكبر لو کانوا یعلمون	و
۴۴	فذرنی و من یکذب بهذا الحدیث سنستدرجهم من حیث لا یعلمون	و
۴۵	و املی لهم إن کیدی متین	و
۴۸	فاصبر لی حکم ربک و لا تکن کصاحب الحوت إذ نادى و هو مکظوم	و
۵۱	و إن یکاد الذین کفروا لیتلقونک بأبصارهم لَمَا سَمِعُوا الذکر و یقولون إنه لمجنون	و
۳۷	أم لکم کتاب فیہ تدرسون	أم
۳۹	أم لکم ایمان علینا بالغة إلى یوم القیامة إن لکم لما تحکمون	أم
۴۱	أم لهم شرکاء فلیأتوا بشرکائهم إن کانوا صادقین	أم
۴۶	أم تسألهم أجرأ فهم من مغرم متقلون	أم
۴۷	أم عندهم العیب فهم یکتبون	أم

متنی این رابطه معنایی «علیرغم اینکه» و «با این وجود» و از این قبیل عبارت‌هایی که پیوند تباینی را ایجاد می‌کنند؛ مانند این جمله: «جاده بر اثر برف و یخ‌زدگی لغزنده بود، با این وجود، او به راه افتاد». در جدول زیر آیه‌هایی که دارای رابطه معنایی برخلاف انتظارند، مشاهده می‌شوند:

## ۲-۱-۳-۲. ارتباط خلاف انتظار

این رابطه معنایی موقعی برقرار می‌شود که محتوای یک جمله خلاف انتظاراتی است که جمله ماقبل آن در رابطه با موقعیت متکلم و مخاطب به وجود می‌آورد (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۱). از جمله نمادهای

جدول ۶- ارتباط تباین (خلاف انتظار)

۲	جواب قسم	ما أنت بنعمة ربک بمجنون
۶	مفعول برای آیه قبل	بأییکم المفتون
۱۴	آن کان	آن کان ذا مال و بنین
۱۵	جواب شرط (قال أساطیر النخستین)	إذا تلی علیه آیاتنا قال أساطیر النخستین
۱۸	واو (واو اعتراضیه)	ولا یستنون
۱۹	جمله حالیه	فطاف علیه طائف من ربک و هم نائمون

۲۳	فَانطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ	جمله حالیه (هم یتخافتون)
۲۷	بَلْ نَحْنُ مُحْرَمُونَ	بل
۳۴	كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ	لو
۴۱	أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ	جواب شرط (محدوف)
۴۳	خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ	جمله حالیه (هم سالمون)
۴۸	فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُكِنِّ كَصَاحِبِ الْخَوْتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ	جمله حالیه (هو مكظوم)
۴۹	لَوْلَا أَنْ تُدَارِكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ	جمله حالیه (هو مذموم)

### ۲-۱-۳-۳. ارتباط سببی

می‌شوند (لطفی پور ساعدی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۱). این نوع ارتباط که می‌توان پیوند علی هم نام نهاد، در آن از عبارت‌هایی نظیر «زیرا»، «برای اینکه»، «بنابراین»، «در نتیجه» و از این قبیل کلمات به کار برده می‌شود.

این رابطه معنایی هنگامی برقرار می‌شود که رویداد فعل یا جمله ارتباط علی (سببی) با رویداد جمله دیگر داشته باشد و شامل روابط علت، نتیجه، هدف و شرط

جدول ۷- ارتباط سببی

۵	فَسْتَبْصِرُ وَ يُبْصِرُونَ	ف
۸	فَلَا تُطْعِ الْمُكذِّبِينَ	ف
۱۹	فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِنْ رَبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ	ف
۳۵	أَفَتَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ	ف
۴۱	أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ	ف
۴۲	يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَ يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ	ف
۴۶	أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مُعْرَمٍ مُثْقَلُونَ	ف
۴۷	أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ	ف
۵۰	فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ	ف
۲۹	قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كُنَّا ظَالِمِينَ	إِنْ
۳۱	قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنْ كُنَّا طَآغِثِينَ	إِنْ
۳۲	عَسَى رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنْآ إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ	إِنْ
۴۵	وَ أَمَلِي إِنْ كَيْدِي مُتَبِنٌ	إِنْ

### ۲-۱-۳-۴. ارتباط زمانی

«بعد» در آیه (۱۳) و واژه «إذا» در آیه‌های (۱۵، ۱۷ و ۴۸) و واژه «لَمَّا» در آیه‌های (۲۶، ۵۱) صورت گرفته است که در مجموع در این سوره (۱۵) پیوند زمانی صورت گرفته است.

موقعی بین دو جمله، این رابطه معنایی برقرار می‌شود که یک نوع توالی زمانی بین رویدادهای آن دو جمله برقرار باشد (لطفی پور ساعدی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۱). در ارتباط زمانی یا همان پیوند زمانی از واژه‌هایی مانند «پس»، «سپس»، «بعد از اینکه»، «قبل از اینکه» و نمونه دیگری مانند آنها استفاده می‌شود.

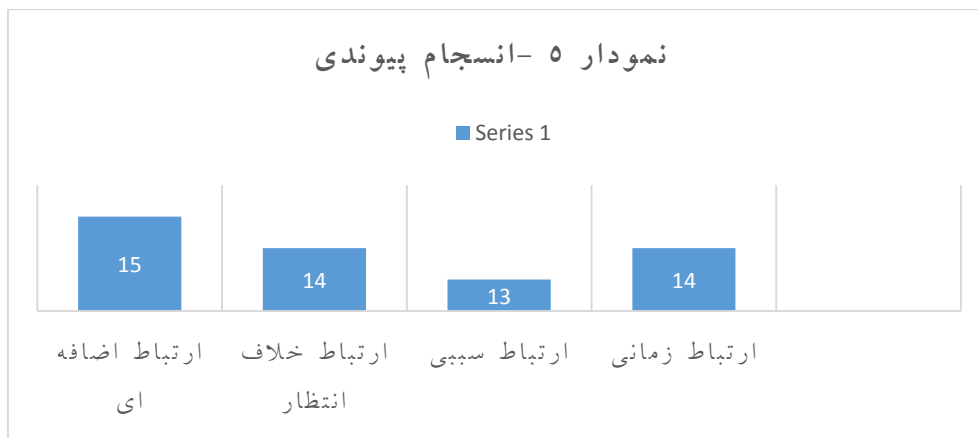
جدول ۸- ارتباط زمانی

۹	وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ	ف
۲۰	فَأَصْبَحَتِ كَالصَّرِيمِ	ف
۲۱	فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ	ف
۲۳	فَانطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ	ف
۲۶	فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُونَ	ف
۳۰	فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَوْمُونَ	ف

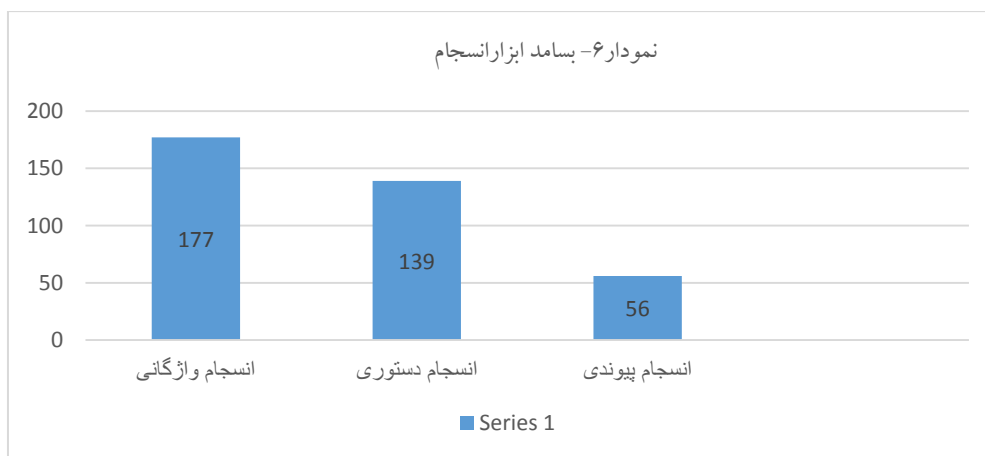
در سوره مبارکه قلم، ارتباط زمانی یا پیوندی با حرف «ف» در ۸ آیه (۹، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۶، ۳۰، ۴۴، ۴۸) و واژه

۴۸	فَصَبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُكِنِّ كَصَاحِبِ الْخُوْتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ	إذ
۲۶	فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ	لما
۵۱	وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ	لما

۴۴	فَذَرْنِي وَمَنْ يُكذِّبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ	ف
۴۸	فَصَبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُكِنِّ كَصَاحِبِ الْخُوْتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ	ف
۱۳	عُتِلُّ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ	بعد
۱۵	إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ	إذا
۱۷	إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ	إذ



در نمودار زیر تمام عوامل انسجام که ۳۲۷ مورد در این سوره به کار رفته، به صورت کلی، مقایسه و نشان داده شده است:



می دهند از میان عوامل انسجام، «انسجام وازگانی» به کاررفته، ۱۷۹ مورد است که ۱۴۲ مورد به تکرار و ۳۷ مورد به باهم آیی اختصاص دارد، ۱۴۰ مورد «انسجام دستوری» در این سوره وجود دارد که از این میان، ۱۳۶ مورد ارجاع و ۴ مورد حذف دیده می شود. انسجام پیوندی در این سوره، ۵۶ مورد است که ۱۵ مورد به

### نتیجه گیری

نتیجه بررسی های صورت گرفته در مقاله حاضر، حاکی از آن است که سوره مبارکه قلم از انسجام و یکپارچگی زیادی برخوردار است و هیچ گسستگی در این سوره وجود ندارد و عوامل انسجام (دستوری، وازگانی، سببی) در این سوره به نحو احسن وجود دارد. بررسی ها نشان

ارتباط اضافه‌ای و ۱۳ مورد به ارتباط سببی و ۱۴ مورد به ارتباط زمانی و ۱۴ مورد به ارتباط خلاف انتظار مربوط می‌شود. از میان این دسته از موارد انسجام، تکرار و ارجاع به ترتیب بالاترین درصد انسجام را به خود اختصاص داده است. موارد دیگر انسجام به ترتیب میزان به کاررفته در این سوره، ارتباط زمانی، مراعات‌النظیر، ارتباط اضافه‌ای، باهم‌آیی دستوری، حذف و ارتباط سببی است. جایگزینی در این سوره دیده نمی‌شود. مجموع این عوامل انسجامی، نشان‌دهنده بالاترین حد ممکن انسجام در این سوره شریفه و اعجاز بیانی و زیبایی‌شناسی آن است. تفاوتی که می‌توان بین انسجام قرآن و متون بشری قائل شد، این است که در این سوره از قرآن از تمام عناصر انسجام و زیرمجموعه‌های آن با فراوانی بالا استفاده شده است. در عین اینکه در این سوره به مطالب مختلف پرداخته شده است، انسجام بسیار قوی در بین آیات مشهود است؛ به طوری که خواننده مطالب آن را یک موضوع واحد می‌پندارد. قرآن شعر نیست؛ اما فراتر از شعر، در آن انسجام آوایی و موسیقایی ملاحظه می‌شود. انسجام‌های موجود در این سوره، در خدمت معارف الهی است؛ به‌طور مثال، انسجام مربوط به تضاد، تفاوت حال دروغگویان و راست‌گویان را به تصویر می‌کشد.

#### کتابنامه

##### قرآن کریم

امریسی، محمدحسن و بهبودی، ناصری هرسینی. (۱۳۹۵ش). نظریه انسجام، هالیدی و حسن (۱۹۸۵م) و کاریست آن در داستانکی روایی از مثنوی معنوی. مقالات دومین همایش متن پژوهی/ادبی، ۲۰-۱.

امریسی، محمدحسن، رضایی هفتادر، غلام‌عباس و محمدتقی زندوکیلی. (۱۳۹۶ش). ارزیابی مقایسه‌ای انسجام در سوره علق و ترجمه آن از حداد عادل براساس نظریه هالیدی و حسن. پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عرب، ۷(۱۶)، ۱۴۹-۱۱۹.

اصغری، جواد و مریم علی‌مرادی. (۱۳۹۴ش).

جستارهایی در ترجمه داستان. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تهران.

اقبال، عباس، صیادی‌نژاد، روح‌الله و محمدحسین فاضلی. (۱۳۹۶ش)، تحلیل انسجام واژگانی در سوره عنکبوت. پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۶(۱)، ۹۱-۱۱۰.

اورکی، غلامحسن و الخاص ویسی. (۱۳۹۶ش). بررسی تطبیقی عناصر انسجام متنی در سوره مبارکه ناس و ترجمه فارسی آن بر پایه نظریه انسجام متن هالیدی و حسن، علوم قرآن و تفسیر معارج، ۲(۱)، ۱۲۹-۱۲۶.

زانوس، احمد پاشا و مریم نبی‌پور. (۱۳۹۶ش). عوامل انسجام، در سوره زلزله براساس نظریه هالیدی و حسن. پژوهشنامه معارف قرآنی، ۸(۳۰)، ۸۱-۱۰۱.

خامه‌گر، محمد(۱۳۹۷). «کارایی نظریه هالیدی در ترسیم انسجام متنی سوره های قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، سال بیست و سوم، شماره ۱ (پیاپی ۸۶) صص ۴-۲۹.

صحرائی، رضا مراد و فاطمه نصرتی موموندی. (۱۳۹۳ش). بررسی روابط متنی قرآن، مطالعه موردی سوره احقاف. سراج منیر، ۵(۱۴)، ۸۸-۶۷.

طبرسی. (۱۴۱۵ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

عبدالمجید، جلیل(۱۹۹۸). البدیع بین البلاغۃ العربیۃ واللسانیات النصیۃ، القاہرۃ: الهیئۃ المصریۃ العامۃ للکتاب.

لطفی‌پور ساعدی، کاظم. (۱۳۷۱ش). درآمدی به اصول و روش ترجمه. چاپ سیزدهم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

مختاری، قاسم و خدابخش‌نژاد، مهرانگیز(۱۳۹۷). «تحلیل زیبایی‌شناسی آیات قرآن کریم برپایه عنصر انسجام و پیوستگی بررسی نمونه‌ای سوره‌های جزء سی‌ام»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، دوره ۷(۱)، صص ۱۲۶-۱۰۷.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). تفسیر نمونه، چاپ سی و دوم، تهران: دارالکتب الإسلامیۃ.

ملاابراهیمی، عزت و زهرا رضایی. (۱۳۹۹ش). کارایی

- of textual coherence by Halidi and Hassan. *Quran Sciences and Tafsir Ma'araj*, 2(1), 129-146.
- Zanous, Ahmed Pasha and Maryam Nabipour. (2016). Coherence factors in Surah Zelzal based on Heidi and Hassan's theory. *Research Journal of Quranic Studies*, 8(30), 81-101.
- Khamegar, Mohammad (2017). "Efficiency of Halliday's Theory in Delineating the Textual Coherence of the Qur'anic Surahs". *Qur'anic Researches*. Year 23, Number 1 (series 86) pp. 4-29.
- Sahrai, Reza Murad and Fateme Nosrati Momondi. (2013). Examining the textual relationships of the Qur'an, a case study Surah Ahqaf. *Siraj Munir*, 5(14), 67-88.
- Tabarsi (1415 AH). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Al-Alami Publishing House.
- Abdul Majid, Jalil. (1998). *Al-Badi' between Arabic rhetoric and text linguistics*. Cairo: The Egyptian General Authority for Books.
- Lotfipour Saedi, Kazem. (1992). *An introduction to the principles and methods of translation*. 13th edition Tehran: Academic Publishing Center.
- Mokhtari, Qasim and Khodabakhsh-Nejad, Mehrangiz (2017). "Analysis of the aesthetics of the verses of the Holy Quran based on the element of coherence and continuity, a case study the 30th chapter of the surahs". *Linguistic Researches of the Qur'an*. Volume 7(1), pp. 107-126.
- Makarem Shirazi, Nasser. (1998). *Sample Commentary*. 32nd edition. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Mulla Ibrahim, Ezzat and Zahra Rezaei. (2019). The effectiveness of Halliday and Hassan's theory in drawing the textual coherence of Surah Muzammal. *Quarterly Journal of Islamic Literary Studies*, 5(1), 9-30.
- Nemati Qazvini, Masoumeh and Tahereh, Ishani. (2013). Comparison of the use of cohesion factors in Surah Al-Ala and its translation by Safarzadeh. *Qur'anic Research Quarterly*, 20(1), 120-145.
- Walei, Younus, Mirzaei Al-Hosseini, Seyyed Mahmoud and Mohammad, Farhadi. (2016). Cohesion factors of the text in نظریه هالییدی و حسن در ترسیم انسجام متنی سوره مزمل. *فصلنامه مطالعات اسلامی ادبی*، ۵(۱)، ۳۰-۹.
- نعمتی قزوینی، معصومه و طاهره، ایشانی. (۱۳۹۳ش). مقایسه کاربست عوامل انسجام در سوره اعلی و ترجمه آن از صفارزاده. *فصلنامه پژوهش‌های قرآنی*، ۲۰(۱)، ۱۴۵-۱۲۰.
- ولیثی، یونس، میرزایی الحسینی، سید محمود و محمد، فرهادی. (۱۳۹۵ش). عوامل انسجام متن در سوره نوح. *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، ۵(۱)، ۶۹-۸۶.
- Halliday, M. A. K & Hasan, R (1989) *Language, context, and text: Aspects of Language in a Social-Semiotic Perspective* (2nd edition) *Oxford University Press*.
- Yule, G (2006) *The Study of Language* (3rd edition) *Cambridge University Press*.

## Bibliography

### The Holy Quran

- Amrai, Mohammad Hassan and Behboud, Naseri Harsini. (2016). Holliday and Hassan's theory of coherence and its application in a narrative story from Masnavi Manavi. *The Second Literary Text Research Conference*, 1-20.
- Amrai, Mohammad Hassan, Rezaei Haftador, Gholam Abbas and Mohammad Taghi Zandwakili. (2016). Comparative evaluation of coherence in Surah Al-Alak and its translation by Haddad Adel based on the theory of Halliday and Hassan. *Translation Studies in Arabic Language and Literature*, 7(16), 119-149.
- Asghari, Javad and Maryam Ali Moradi. (2014). *Essays in story translation*. Tehran: Academic Jihad Publications, Tehran branch.
- Iqbali, Abbas, Sayadinejad, Rouhollah and Mohammad Hossein Fazeli. (2016). Analysis of lexical coherence in Surah Ankabout. *Research Journal of Qur'an Interpretation and Language*, 6(1), 110-91.
- Oraki, Gholamhasan and Khas Veisi. (2016). A comparative study of elements of textual coherence in Surah Al-Mubarakah Nas and its Persian translation based on the theory

Yule, G. (2006). *The Study of Language* (3<sup>rd</sup> edition). *Cambridge University Press*.

Surah Nuh. *Qur'an Linguistic Researches*. 5(1), 69-86.

Halliday, M. A. K & Hasan, R. (1989). *Language, context, and text: Aspects of Language in a Social-Semiotic Perspective* (2nd edition). *Oxford University Press*.

پی‌نوشت

---

- <sup>1</sup> Halliday
- <sup>2</sup> Ruqaiya Hasan
- <sup>3</sup> Cohesion Relation
- <sup>4</sup> Textuality
- <sup>5</sup> Tie
- <sup>6</sup> Textual Cohesion
- <sup>7</sup> Chain
- <sup>8</sup> Coherence
- <sup>9</sup> Relevance
- <sup>1</sup> Function Words
- <sup>2</sup> Hyponymy
- <sup>3</sup> Meronymy
- <sup>1</sup> Exophoric Reference
- <sup>2</sup> Endiphoric Reference
- <sup>3</sup> Antecedent
- <sup>4</sup> Cataphora